

بقلم : آقای مخبر همایون

از دفتر خاطرات

تاریخچه تأسیس و اصلاحات اداری

در تشکیلات جدید

(۳)

تشکیلات وزارت دارائی

بامر ناصرالملک نایب السلطنه عمارتی در ارك انتخاب گردید و مبلغی برای خرید اثاثیه در اختیار نویسنده بود . میز و صندلی و فرش و لوازم دیگر تهیه شد و يك دفتر تحریر وزیر و يك دفتر مجاسبات تأسیس گردید . جمع و خرج مملکت بدست حکام انجام میشد مالیاتها را وصول میکردند و مخارج را برطبق قبوضات تصدیق شده مستوفیان می برداختند . برنامه نویسنده این بود که يك اداره وصول مالیات و يك اداره برای مخارج مملکت و ادارات دیگری هم برای تأسیس مالیاتهای غیر مستقیم تأسیس شود .

مستوفیان ادعا داشتند که بهر کدام يك اطاق داده شود و مؤسس که نویسنده این سطور هستم يك اطاق راهم برای تمام مستوفیان مضایقه نمودم اختلاف با وزیر دارائی باینجا منجر شد که نویسنده مرخصی خواسته عازم اروپا شدم .

این مختصر توضیح هم زائد بنظر نمی آید حاکم مخارج را تومانی پنج قران بصرافان که قبوض آنها را خریده بودند بیشتر نمیدرخت و پس از مخارج تومانی پنج ریال بحکم میرسید تومانی دو ریال هم بصرافان و صاحبان مستمری و طلبکاران دیگر تومانی دو ریال بیش عایدشان نمیشد .

چند ماهی گذشته بود محمدعلی میرزا مجلس را هدف گلوله قرار داد و بعضی مخالفین سلطنت استبدادی را بدار آویخت و بعضی را در چاه محبس سرازیر کرد . اسم نویسنده هم جزو مخالفین و در صورت درج شده بود چون در دسترس نبودم شاه امر کرد که اسم من دروزارت دارائی قلم گرفته شود نویسنده هم درپاریس بافراریهای دیگر سردار اسعد را تشویق کرده روانه تهران نمودیم تا با مجاهدین رشتی وارمنی همکاری نماید .

محمدعلی میرزا تبعید شد و روز اول که مجلس افتتاح شد و وزراء تعیین شدند مستوفی الممالک وزیر دارائی تلگرافی نویسنده را برای تکمیل تأسیس وزارتخانه از اروپا احضار نمود .

برای تعقیب موضوع فوق اداراتی تشکیل شد اولی آنها ممیزی املاک بود که شکایات میرسید و برای احقاق حق ممیزی صحیح لازم میشد چند نفر ممیز متخصص برای بازدید املاک اعزام شدند ریاست این اداره برعهده خود نویسنده بود .

دوم - وصول مالیاتهای املاک مزروعه درولایات ، انجام این عمل بادارات ولایات واگذار گردید .

سوم - مالیات برتریاك والكل این دو مالیات را پیرم خان رئیس کل شهربانی تأسیس کرده بود ولی بدون مجوز قانونی . اقدام پیرم خان اگرچه خدمتی بشمار میآمد ولی چون برخلاف قانون اساسی بود با وزیر دارائی وثوق الدوله مذاکره کردم عقیده او این بود که نویسنده بروم و با پیرم مذاکره کرده دست او را از تعقیب این کار بازدارم .

شبی بمنزل پیرم رفتم از هردسته تا هوجبها همه آنجا جمع بودند . پس از تعارف به پیرم خان گفتم شما تفنگک بردوش از قفقاز بتهران آمده جان خود را بخطر انداخته اید و خدمتی که انجام داده اید حفظ قانون اساسی است که محمد علی میرزا

القا کرده آیا میدانید که این قانون را خود شما القا میکنید .

همه حضار از این سخن من متعجب گردیدند و خود یپرهم هم منتظر توضیح گردید .
توضیح دادم اموز دارائی بموجب قانون اساسی تماماً بر عهده وزارت دارائی است و شما
برخلاف قانون وظیفه وزارت دارائی را انجام میدهید .

جوابداد شهربانی مخرجی دارد که باید بدون تأخیر پرداخته شود آیا وزارت
دارائی متقبل میشود که بودجه شهربانی را تأمین نماید . بعد اضافه کرد خود شما این
تقبل را بکنید .

من پرداخت بودجه شهربانی را تعهد کرده و در نتیجه از این تاریخ شهربانی از
دخالت در امور مالیاتی خودداری نمود .

یکی از و کلائی که در گذرانیدن لوایح مالیاتی که نویسنده تنظیم مینمود
همت می گماشت مرحوم فهیم الملک بود که بدون مساعدت این وکیل بر نامه های نویسنده
معوق میماند .

پس از آنکه پرداخت بودجه شهربانی را تعهد کردم این تقاضا را هم از یپرهم
داشتم که در وصول مالیاتهای معوقه با اداره خزانه همکاری نماید .

قانون مالیات بر مستغلات هم تهیه و به مجلس فرستاده شد و به تصویب رسید و
باجرا گذاشته شد . بتجربه میدانستم که وزیر برای رضایت خاطر اشخاص مختلفه و و کلا
و هوچیها آزادی ندارد و روش محطاطانه را شیوه خود قرار خواهد داد . چند نفر از
و کلائی دموکرات را که طالب اصلاحات بودند مانند سلیمان میرزا ، وثوق الدوله ،
مستوفی الممالک ، صدیق حضرت و سید ولی الله خان نصر همواره مشوق نگارنده این
سطور بودند و بمناسبت خدماتی که در آن تاریخ انجام دادند وظیفه خود میدانم که در
اینجا از آنان نامی برده شود .

در همین ایام يك اداره مستقل برای تمرکز ادارات و شعب مختلف که با

مساعی نویسنده میبایستی تأسیس شود جنب تخت مرمر تشکیل دادم و این اداره را اداره مالیة تهران نام گذاشتم.

از تاریخی که هنوز مجلس هدف گلوله قرار نگرفته بود يك مستشار برای امور اقتصادی از فرانسه بنام مسیو پیزو استخدام شد .

در آن تاریخ فرانسه مبلغی بروسید وام داده بود و برضد آلمان اتحادی تشکیل داده شده بود ، مسیو پیزو از فرانسویان متعصب در ایران در نظر گرفت خدمتی بنفع روسیه انجام دهد برای این منظور از دولت ایران تقاضای اختیارات تام نمود ولی این تقاضا مورد قبول واقع نگردید و بجای او نویسنده امور را در دست گرفتم .

اول لازمه موفقیت ترتیبی بود که میبایستی برای پرداخت بودجه اتخاذ شود تا این تاریخ مخارج را حکام بموجب حواله مصدق مستوفیان میرداختند ولی تصدیق مستوفیان بر طبق ارقامی بود که در بودجه (کتابچه) ثبت شده بود و حواله ها را بواسطه اشکال در وصول صرافان تومانی دو ریال خریداری میکردند و آنها هم بنوبه خود به پنج ریال وصول قناعت میکردند با این ترتیب تمام مخارج بامختصر استثنائی تومانی پنج ریال مورد استفاده حکام قرار میگرفت دو ریال مورد استفاده صرافان و دو ریال هم فقط به موظفان عاید میگردد .

اعلانی منتشر کردم که مخارج تومانی پنج قران نقداً از صندوق خزانه پرداخته خواهد شد پس تومانی پنج قران دیگر سهم صراف و حاکم بخزانه دولت وارد میشد و صاحب حقوق هم در عوض دو ریال پنج ریال دریافت میداشت با این درآمد تومانی پنج ریال بودجه اداره مالیه تهران تأمین میگردد و پس از پست و تلگراف تنها اداره که بودجه داشت همین اداره بود .

در این اداره که در واقع حکم وزارتخانه را داشت میبایستی اداراتی تشکیل شود . اولی آنها اداره وصول مالیات مستقیم بود تا بدینوسیله دست حکام از وصول

مالیات کوتاه گردد .

برای حصول بدین منظور باید شعبی نیز در ولایات بوجود آید . علیهذا از تحصیلکردگان مدرسه دارالفنون که حساب هندسی میدانستند وعدهای هم از ادارات گمرک دعوت نموده و برای هر ولایت سه نفر انتخاب شدند باین ترتیب اداره جنب تخت مرمر میتواندست خزانة داری شناخته شود .

تا این تاریخ عایدات مملکت منحصر بود بمالیتهای مستقیم پس لازم میآید که مالیتهای غیر مستقیم هم وضع گردد پس درواقع تمام وظایف وزارت دارائی باین اداره محول شده بود .

وظیفه که برای وزیر مالیه باقی می ماند تنها نظارت درمخارج وحواله دادن آنها برفوق بودجه مصوبه در مجلس بود .

درهمین موقع صنیع الدوله رئیس مجلس يك لایحه مالیاتی بتصویب مجلس رسانید که مالیات برنمک باشد .

برطبق این لایحه قانونی عایدی نمک اختصاص پیدا میکرد بايجاد راه آهن ، ولی اجرای آن درمقابل اعتراض علماء معوق ماند . اعتراض علماء این بود که نمک مهریه حضرت فاطمه است و باید آزاد باشد .

دولت وقت درصدد استقراضی بود و با دولت انگلیس در این زمینه مذاکره میکرد . آن دولت قبول خود را مشروط کرد بااستخدام مستشاری با اختیارات تام . دولت ایران قبول این شرط را موکول کرد باینکه مستشار از کشوری بیطرف باشد . مسیو شوستر از آمریکا استخدام و وارد شد و میز نگارنده این سطور را پس از سه سال اشغال کرد و نویسنده را دعوت نمود که برای راهنمایی همکاری با او را تقبل کنم .

ناصرالملک نایب السلطنه هم بمن توصیه میکرد که تقاضای شوستر را قبول نمایم

ولی از قبول این دعوت استنکاف ورزیدم .

شوستر برای وصول مالیاتها از نو تشکیلاتی بوجود آورد و مسئولیت آنرا واگذار کرد به آتاشه میلتر سفارت انگلیس .

بموجب قرارداد ۱۹۰۷ دولین انگلیس و روس مکلف بودند سیاست خود را در ایران با یکدیگر وفق دهند و استخدام شوستر با اختیارات تام که آنرا تحت اختیار سفارت انگلیس قرار میداد مخالف مفهوم و مدلول قرارداد بود .

شعاع السلطنه برادر محمد علی میرزا پس از تبعید وی خود را تحت الحمایه سفارت روس قرار داده تا از پرداخت مالیات برکنار باشد .

مأمورین شوستر برای وصول مالیات بخانه شعاع السلطنه رفتند تا او را ناگزیر پرداخت مالیات نمایند ولی چند نفر قزاق از سفارت روس آمده قوه مجریه شوستر را از خانه شعاع السلطنه خارج ساختند و روز بعد یادداشتی از سفارت روس برای دولت ایران رسید که شوستر از جاده بیطرفی خارج گردیده و باید از ایران خارج شود چنین هم شد و پس از چند روزی وی ایران را ترك گفته بسوی آمریکا معاودت نمود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ نام و نشان

یکی از حکماء پسر را نهی میکرد از سیر خوردن که سیری شخص را رنجور دارد پسر گفت گرسنگی نیز بکشد نشنیده‌ای که ظریفان گفته‌اند بسیری مردن به که گرسنگی بردن گفت ای پسر اندازه نگه دار بیت :
نه چندان بخور که دهانت بر آید

نه چندانکه از ضعف جانت بر آید

(سعدی)